

اکنون نیکست فایره آکو خواهد سبب بیماری شخمی معلوم کند مطلق
 ششم بر باید دید تا در کجا افتاده آکو در اول بود جهت ابتدای
 کاری بود و از سر نالد آکو در دوم بود بیماری جهت غرای بود
 و از گردن نالد آکو در سوم بود جهت حرکت عنق باشد و از تن
 از شانه نالد آکو در چهارم بود جهت مقام کار زمین و از دست
 نالد آکو در پنجم بود جهت عشق و مهرامی بود و از مکر و از بدو نا
 لد آکو در ششم بود جهت کار بهشت از شکم نالد آکو در هفتم
 بود تروود و بسیاری اب بود و از ناف نالد آکو در هشتم بود جهت
 خوف و ترسد بود از شنگاه نالد آکو در نهم بود جهت خون یا سفر
 بود و از زانو نالد آکو در دهم بود جهت کار بزرگ بود از راهها
 نالد آکو در یازدهم بود جهت عشق و محب بود و از ساق
 ها نالد آکو در دوازدهم بود جهت چهار پای و دشمن باشد
 و از قدمها نالد و ای بیماری را از ^{مطلوب}مطلوب دوم گوید بر حال
 افتاد بود و ایشان از اجاکوید دیکو طبیعت نقطه نظر کند آکو
 آتش بود در خانه آتش افتاده بود دلیلست بر کوی و حرارت
 بسیار و شکر و تیزی مرض و بجز تیزد و آشد و در خانه
 باد بجزوی شیون و تلخ و آسود و بیمار نیش جهت یاران
 و آسود غایب یا حیوان بود و آسود و در خانه اب بجزوی
 ششور و تلخ بجز شاند بر سران آکو در خانه خاک باشد بجزوی

تلخ

تلخ و ترش و بجزوهای حیوانی و بر قها و باری یاران دوامسد
 آکو در خانه اب بود بجزوی شیون کاب بر او زده باشد یا بجز
 های بنای امینت باشند و از اهل علم و خویشان دوارسد و آکو
 در خانه خاک بود بجزوی ترش و شیرین باید یا بجزوی کافی با او
 امینت باشند و علم و بجزویشان بجه کرد و آکو در خانه خاک
 و از بیوان و بیدر و مقام دوامسد و اگر اب در مسکن خود یعنی
 در سیوم یا هنم یا با ندم دلیلست که بجزوی چود و ترو و
 شود یا در اب سرد نشستن و بجزی های بنای خوردن
 و آکو در خانه خاک بود دلیلست چیزی ششور و ترش خوردن
 و بجزوی بنای کافی با امیند و از زبان دوامسد و آکو
 در خانه آتش اب بجزوی و تلخ یا بجزوی بنای جو شانه خود
 و خود را معالج کند و آکو در خانه باد باشد بجزوی فایره
 دهد از عرف باشد یا شربت و بجزوی شیرین و ترک و بنای
 شیرین و آکو خاک باشد در خانه خود چیزی بغایت ترش و سرد
 و خشک و سیاه و بجزوی های کافی برمان و مزارعان او را دوا
 کند و آکو در خانه آتش باشد بجزوی تلخ و ترش چیزی سوخته
 و برشته و بریان و خشت کشته خود را بنفش خود دوا کند آکو
 در خانه باد باشد بجزوی ترش و شیرین او را فایره دهد و بجزوی
 های حیوانی و کافی و یاران او را دوا کند و در خانه اب بجزوی

بد